

## سه گانه سلطانی تکمیل شد

شاید کلید پخش سریال‌هایی با محوریت نخبگان ایرانی را بچه مهندس زد که توانست چهره جواد جوادی را در قامت یک مهندس جوان روی آنتن ببرد. اما بی‌همگان در ادامه سریال‌های این چنینی توانست پا را قدری فراتر بگذارد و یک درام همراه با قصه جوان نخبه ایرانی را نشان دهد. امیرعلی با بازی محمد صادقی همان ابتدا به زندان می‌افتد و بعد از بیرون آمدن از زندان تلاش می‌کند کلیم خود را از آب گل‌آلودی که برایش ساخته‌اند، بیرون بکشد. هرچند همه این تلاش‌ها به بن‌بست می‌خورد و بدبباری همراه امیرعلی می‌شود. بسیاری معتقدند سریال بی‌همگان به دو بخش تقسیم می‌شود که در بخش اول همه چیز تلخ و سیاه است و در بخش دوم درهای خوبی برای امیرعلی و همراهانش به یکباره باز می‌شود. انگار برخلاف شعر «بی‌همگان به سر شود…» این بار قرار است حتی بدون او هم به سر شود. امیرعلی در بخش دوم سریال و به‌ناچار، وارد یک زندگی می‌شود که هیچ بخش آن پذیرای او نیست. وارد شدن به خانواده مردی که گفته می‌شود امیرعلی قاتل اوست، روبه‌رو شدن با فرزندان زن و قبل از همه این‌ها، دل‌کندن از ازدواج با دختری که از ابتدای سریال دل‌درگروی ازدواج با او داشت. اما بخش دیگر ماجرای بی‌همگان مربوط به یک تابو و کنار زدن آن است. تا قبل از این هر بار صحبت از ازدواج می‌شد پای تابویی به نام ازدواج با زن بیوه هم به میان می‌آمد. بی‌همگان این تابو را کنار زد. چه بسا که یک قدم جلوتر رفت و زنی بیوه اما سرپرست خانوار را نشان داد که دو فرزند دارد و با درست کردن ترشی، خرج زندگی‌اش را می‌دهد. امیرعلی تازه از زندان بیرون آمده و با شرط عمومی این زن، با او ازدواج کرده تا خون‌بهای همسر مرده او باشد. برخلاف انتظار، همه چیز به یک روال درست می‌افتد. مخاطب حالا مدلی بیشتری با امیرعلی و مریم به عنوان یک خانواده تازه می‌کند؛ خانواده‌ای که با گذشتن هر دو از دل مشکلات به این نقطه رسیده و توانسته با بگیرد.



امیرعلی تجربه کار کردن در صنعت را دارد و مریم تری آماده می‌کند. تلاش می‌کنند دغدغه‌های‌شان را کنار هم بگذارند و ساینی برای فروش ترشی راه بیندازند. اشاره کوتاهی که شاید به ظاهر برای مخاطب، ساده یا بی‌اهمیت باشد اما نشان از گره خوردن دو فرد غیرمرتبط زیر سقف یک خانه مشترک دارد. خاصیت بی‌همگان همین کارزدن انتظارات مخاطبان و ایجاد یک تصویر متفاوت است. درست زمانی که مخاطب انتظار دارد امیرعلی وارد زندگی با الناز شود یا دست کم بافتادن به زندان؛ تلاش دوباره‌ای برای بیرون آمدن کند؛ با شرط عمومی مریم برای آزادی‌اش از زندان موافقت می‌کند. یا جایی که مخاطب انتظار دارد پدر الناز بازی مهدی سلطانی اطلاعات به دست آمده برای تیره شدنش را به پلیس بدهد، می‌بیند که پدر الناز فرامی‌کند و ماجرا وارد گره جدی‌تری می‌شود. کفه سنگین بی‌همگان را باید در بازی مهدی سلطانی دید که حتی بازی‌های دیگر را هم تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. نقش پدری مقتدر و مطمئن که شاید تکراری باشد اما هنوز هم برای مخاطب جذابیت دارد. سلطانی در سریال پدر هم نقشی شبیه به بی‌همگان داشت با این تفاوت که آنجا وچهره مدح‌هیی او بالاتر و پررنگ‌تر بود. حال‌عجی تهرانی سریال پدر، این بار چهره متفاوت پدری تاجر را در بی‌همگان به نمایش می‌گذارد که بی‌شباهت به حاج محمود فروزش سریال افرا نیست. شاید یک تفاوت دیگر هم بین بی‌همگان و افرا باشد که مرتبط به جابه‌جا شدن نقش قاتل و مقتول است که در بازی محمد صادقی به خوبی نمایان است.

## قدردانی شورای نظارت بر صداوسیما از «آقای قاضی»

شورای نظارت بر سازمان صداوسیما با ارسال نامه‌ای به رئیس رسانه ملی از عوامل سریال «آقای قاضی» قدردانی کرد. در این نامه، با اشاره به برخورداری این سریال از ساختار فرمی و روایی منسجم و استاندارد، نکته برجسته سریال آقای قاضی، استفاده از ساختار دراماتیک و داستانی برای آموزش اطلاعات مفید حقوقی به مخاطبان عنوان شده است. شورای نظارت بر سازمان صداوسیما، آقای قاضی را گامی موفق در حوزه نمایش و داستان

ازدواج کند. مسلما طرح این مسأله به لحاظ بازی، موقعیت پر از ریسکی بود؛ چون کرامت، پدری است که بچه‌اش را از دست داده اما به فکر عروس و نوه‌هایش است و برای به سامان رسیدن خانواده پسرش چنین شرطی برای بخشش می‌گذارد؛ ممکن بود مخاطب نسبت به شخصیت کرامت گارد بگیرد و از شما منتظر نباشد. نگران این موضوعات نبودید و در مجموع مواجیه‌تان با نقش و اتفاقاتی که برایش رخ می‌دهد، چه بود؟

مسعود شریف، بازیگر نقش کرامت: من بچه جنویم و با جنس قصه سریال بی‌همگان آشنا هستم. در آنجا قانونی به نام خون پس داشتیم که بعدها این قانون را برداشتند زیرا خیلی‌ها با آن مخالف بودند. زمانی که با نقش کرامت روبه‌رو شدم خیلی خوشحال شدم، به این دلیل که نقش بر چالشی بود و از طرف دیگر نقشی بود که در خیلی از صحنه‌ها باید بازی درونی داشتم. هر چه جلوتر می‌آمدم و شناختم نسبت به نقش بیشتر می‌شد، متوجه می‌شدم واقعا سخت است؛ آدمی که در دنیا هیچ‌کس را ندارد و قرار است چند وقت دیگر بمیرد و در این شرایط ناگهان بچه‌اش را از دست می‌دهد و خودش می‌ماند و یک عروس و دو فرزند. با توجه به این که کرامت نسبت به امیرعلی شناخت دارد و حقیقت را می‌داند و از سوی دیگر بین کرامت و قاسم(هزیر آزاد) دیالوگ داریم و می‌گویید پسر این بلا را سرم آورد که می‌گویید تا زو بعد است چنین بچه ناخلفی داشته باشی؛ این مواجهه خیلی خاص بود. یعنی خودت خوب باشی و بچه‌ات ناخلف باشد و یک نفر بچه‌ات را بکشد و کار اشتباهی انجام دهد که خودش آدم خوبی است و بر حسب یک اتفاق چنین کاری کرده که برای خودم واقعا سخت بود. حتی بسیاری شب‌ها تنهایی برای کرامت گریه می‌کردم. یک حسن دیگر این بود که هم آقای بهرنگ توفیقی کارگردان و هم آقای مهام، تهیه‌کننده راهنمایی می‌کردند و من هم عادت دارم از همه عوامل درمورد صدا و تصویر سؤال می‌پرسم و خدا را شکر می‌کنم که توانستم با این قضیه کنار بیایم. نقش بسیار خوبی بود که در سال‌های عمرم بازی کردم.

صحنه‌ای بود که چالش زیادی داشت و با خودتان خیلی سر و کله زدید تا موقعیت را خوب بازی کنید؟ زیرا در بسیاری از صحنه‌ها کرامت با نگاهش بازی می‌کند به‌ویژه در موقعیتی که با نوه‌اش برخورد می‌کند. در آوردن این چالش‌ها برای‌تان سخت نبود؟ شریف: چالش‌ها سخت اما جذاب بود. من از یک تکنیک خاص استفاده می‌کنم و برای هر نقشی چیزی را رزمه می‌کنم و وقتی مرا صدا می‌زنند و می‌گویند برو جلوی دوربین، از این کلید استفاده می‌کنم. برای کرامت هم یک سری کلید گذاشته‌بودم، ضمن این‌که در زندگی خودمان هم از این اشتباهات و اتفاقات بوده و در شهرستان‌ها فقر و افراد فقیر را از نزدیک دیدم، یک سری چیزها را برداشت کردم و توانستم مواردی را با ایده‌های خود و با راهنمایی عزیزانم دوباره پرداخت و بازسازی کنم. خودم روی نگاه

برای شناساندن مفاهیم و اطلاعات حقوقی که مردم از آن اطلاعات ناکافی دارند عنوان کرده و عملکرد سازندگان این اثر را قابل تحسین دانسته است. این شورا در پایان ضمن لزوم حمایت و تقدیر از سازندگان آقای قاضی، خواهان توجه بیشتر به قالب‌های نمایشی و داستانی برای انتقال مفاهیم و موضوعات مهم و تغییر رویکرد در برنامه‌سازی و حرکت به سمت ساخت آثار خلاقانه با محوریت درام و و به دور از زنگاری و کلیشه‌پردازی شده است. سریال ۲۳

خیلی حساسم و به‌نظم سینما یعنی چشم و نگاه؛ اول چشم است و بعد هر چیز دیگری، یعنی هر وقت که بازی می‌کنم، اول چشمم باید برود و سپس دست، بیان و بقیه چیزها. کلان‌این‌طور نگاه می‌کنم.

آقای مهام در کارهای شما دیدیم که همیشه سراغ بازیگرانی می‌روید که مخاطب از قبل ذهنیت کمی درباره‌شان دارد و با این‌که در سریال‌ها بازی کردند، ولی نقش‌های پر رنگی در ذهن مخاطب نبوده. این اتفاق در سریال بی‌همگان هم رخ داد. چطور به انتخاب آقای شریف رسیدید؟

مهام: آمدن این بچه‌ها را مدیون بهرنگ توفیقی (کارگردان) هستم. روزی که آقای شریف آمد، عذرخواهی کرد و رفت و به بهرنگ گفتم باید برگردد. در لحظه ورود بی‌تماش، مسعود شریف، کرامت را در او دیدم. این فیلم‌نامه پنج سال در حال نگارش بود و با تغییر مدیران سازمان، تولید با تاخیر آغاز شد. به همین دلیل در این سال‌ها با فیلم‌نامه زندگی کردم. بنابراین مسعود شریف را دیدم ناخودآگاه احساس کردم کرامت کنارم قدم برمی‌دارد. آرمشی که در صدای شریف بود برای نقش کرامت عالی بود. به‌نظرم اگر کرامت یک ذره بیان پرخاشگر، ن صدای بالاتر و صورت عصبی‌تری داشت کرامت نبود. واقعا مسعود آرتیست است. آرتیست‌های ما خیلی زحمت می‌کشند اما بعضی‌ها دیر سرچاهی‌شان قرار می‌گیرند و دیر دیده می‌شوند. در مجموع معتقدم همه چیز به فیلم‌نامه برمی‌گردد. فیلم‌نامه درست کارگردان، بازیگر و تهیه‌کننده را نجات می‌دهد و فیلم‌نامه ضعیف آدم‌های بزرگ را هم زمین می‌زند.

شریف: ما محصول یک گروه هستیم. ۲۰ سال است که این بحث را با تهیه‌کننده‌ها دارم که من به‌عنوان یک بازیگر محصول گروه هستم و این محصول باید ارائه شود و نباید یک بازیگر خوب را رها کرد. آقای مهام گروه را رها نکرد و هر روز پیگیر کار بود و خیلی به من انرژی داد. تهیه‌کننده‌ها باید معرفی و کشف کنند و این نباشد که یک نفر زیباست یا صدایش خوب است معرفی‌اش کنیم، باید بازیگر و آرتیست باشد و لازم است اینها را کشف کنیم و این‌گونه است که می‌توانیم به سطح بالایی برسیم.

به نظر شما مشکل فیلم‌نامه‌ها بوده که آقای شریف آن قدر دیده نشده ولی یکباره با سریال بی‌همگان با این‌که نقشش خیلی طولانی نیست اما عمق دارد. شناخته می‌شود و روی مخاطب تاثیرگذار است.

شریف: پایه فیلم‌نامه است و وقتی یک فیلم‌نامه صحیح نداشته باشید گاهی یک شخصیت پرداخت می‌شود و دیگر شخصیت‌ها دیده نمی‌شوند. من در تعدادی کار بازی کردم که خوب درخشیده‌ام ولی وقتی کار تمام شده برای همیشه تمام شده اما در مورد کرامت اتفاق عجیبی رخ داد و این بود که نوجوانان در خیابان مرا می‌شناختند و می‌رسد و خانواده به دردرس می‌افتد. مواجیه‌ها شما با نقش و موقعیت‌ها چطور بود؟ محمد صادقی، بازیگر نقش امیرعلی، امیرعلی برای

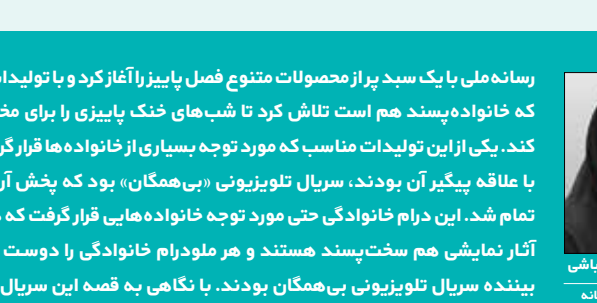
امیرعلی نقشی است که او را در موقعیت‌های متفاوت می‌بینیم. یعنی صرفا یک پسر نخبه مطلق مثبت نیست، چراکه می‌بینیم او هم مثل بقیه اشتباه می‌کند و آن‌قدر سراغ اصلاصن می‌رود تا این‌که بر اثر سانسحه‌ای او به قتل می‌رسد و خانواده به دردرس می‌افتد. مواجیه‌ها شما با نقش و موقعیت‌ها چطور بود؟ محمد صادقی، بازیگر نقش امیرعلی، امیرعلی برای

قسمتی آقای قاضی که پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها روی آنتن شبکه‌دوی سیما می‌رفت محصول گروه فیلم و سریال این شبکه به کارگردانی سجاد مهرگان، نویسندگی سیدمحمد حسینی و تهیه‌کنندگی احمد شفیعی با بازی بهزاد خلج و جمعی از بازیگران تئاتری و با استعداد بود. عوامل این سریال به تازگی با حضور در اداره کل روابط عمومی رسانه ملی، پاسخگوی تماس‌های مخاطبان بودند و بعد از برگزاری نشست خبری، مورد تجلیل و قدردانی قرار گرفتند.



## با حضور تهیه‌کننده و بازیگران

# تابوشکنی



دیگری است؛ یعنی کنترلش یک کنترل‌کودکانه نیست و یک کنترل با تعمق و تعقل بیشتری است و این در جنس بازی تاثیرگذار است. برخی به من گفتند که امیرعلی را دوست دارند و با این‌که سرد و یخ است. این همان کنترلی است که در باره‌اش می‌گویم. خیلی‌ها این سرما را حس کردند اما با این حال کاراکتر را دوست داشتند و این نقطه قوت نقش بود و آن را متفاوت می‌کرد با همه نقش‌های مشابهی که بازی داشتم و این چالشی برای کار ما بود. البته در جاهایی می‌ترسیدیم و ضمن این‌که آقای مهام به من تذکر می‌داد و می‌گفت فلان اتفاق افتاده اما چرا واکنش‌ام نسبت به آن اتفاق کم است ولی من برایش چیدمانی داشتم و می‌دانستم که این سمپات در نهایت اتفاق می‌افتد؛ یعنی این کاراکتر با نقاط عطفی که برایش

سریال اضافه کرده و در نهایت متوجه بلوغ در شخصیت امیرعلی می‌شویم که او را به راه می‌آورد. در واقع وقتی امیرعلی پدر می‌شود نسبت به زمانی که مجرد است و با اصلاصن دعوا می‌کند، کلی متفاوت می‌شود.

رسیدن به این بلوغ در نقش برایتان سخت نبود، چراکه مثل راه رفتن روی لبه پرتگاه بود؟ صادقی: با توجه به این‌که کاراکتر را می‌گذارم تا اوج بروز احساساتش برود و بعد کنترلش می‌کنم. کنترل این بلوغ و غلیبان احساسات از جنس

شریف: پایه فیلم‌نامه است و وقتی یک فیلم‌نامه صحیح نداشته باشید گاهی یک شخصیت پرداخت می‌شود و دیگر شخصیت‌ها دیده نمی‌شوند. من در تعدادی کار بازی کردم که خوب درخشیده‌ام ولی وقتی کار تمام شده برای همیشه تمام شده اما در مورد کرامت اتفاق عجیبی رخ داد و این بود که نوجوانان در خیابان مرا می‌شناختند و می‌رسد و خانواده به دردرس می‌افتد. مواجیه‌ها شما با نقش و موقعیت‌ها چطور بود؟ محمد صادقی، بازیگر نقش امیرعلی، امیرعلی برای



در بی‌همگان انتخاب کردند. بازیگر «مختارنامه» ادامه داد: جالب این است که با اصغر هاشمی هم پیش از این در فیلم سینمایی «گروگان» و سریال «یک مشت پر عقاب» همکاری کرده بودم. از طرفی خوشحال بودم که اصغر هاشمی به تیم ما اضافه شده و از سوی دیگر ناراحت بودم که چرا بهرنگ توفیقی رفته است. خلاصه بی‌همگان، دو کارگردان حرفه‌ای داشت که کار کردن با هر دوی آنها برایم لذتبخش بود. این بازیگر در خصوص پذیرش نقش (قاسم) در بی‌همگان توضیح داد: نقش یک پدر فرهنگی و بازنشته را در بی‌همگان بازی می‌کنم که اهل شعر، ادب و ممتانت است. مسائل و مشکلاتی را که (قاسم) دارد به خوبی درک می‌کنم به همین دلیل بازی کردن این کاراکتر که تا حدودی به شخصیت واقعی من نزدیک است برایم دلچسب و آسان بود.

چهره

مخاطب با «بی‌همگان» همذات‌پنداری کرد

کاظم هزیرآزاد، بازیگر سریال «بی‌همگان» درباره نقشش در این مجموعه عنوان کرد: «۲۰ سال پیش که بهرنگ توفیقی دستیار باک محمدی بود با او کار کرده بودم. ایشان بعد از دیدن سریال «زخم‌کاری» من را برای بازی

رخ

الناز، جوان آگاه و امروزی است

میترا رفیع، بازیگری که این‌روزها سریال «بی‌همگان» را روی آنتن داشت، درباره نقشی که در این سریال بازی کرد، می‌گوید: از همان ابتدا وقتی درباره الناز یوسفیان گفت‌وگو می‌کردیم، خبری از صحبت درباره طغیان و عصیان و

گزارش تصویری

دغدغه‌های خانواده‌ها

شاید «قصه بی‌همگان» ابتدا یک درام ساده باشد اما مسائل روز به‌وضوح در آن بیان شده است. وقتی پدر الناز درگیر برخی مشکلات مالی می‌شود، مسأله اختلاس به تصویر کشیده شد که شاید بسیاری از خانواده‌ها خبرهای مربوط به آن را شنیده باشند.

